

# MARXIST THOUGHT & MONISM

<http://www.ghandchi.com/299-Marxism-plus.htm>

## اندیشه مارکسیستی و مونیزم یکتا گرایی

پیشگفتار

اگر جنایات رژیم اسلام گرا در ایران، روشنفکران مذهبی را درباره نظریات خود به شک انداخته و آنها را به اصلاح طلبی کشاند، کارنامه دولت های سوسیالیستی از شوروی و اروپای شرقی، تا چین، کره شمالی، ویتنام، و کامبوج، اثر مشابهی بر روی روشنفکران چپ در جهان گذاشت. اگر تجربه سرنوشت انقلاب ایران و اسلام گرایی برای روشنفکران ایران مستقیم بود، تجربه شوروی، چین، و ویتنام تجربه های غیر مستقیم بودند. اما در هر دو مورد، سؤال مشابه بود، که چرا بعد از اینهمه فداکاری در ویتنام و ایران، نتیجه کار یک رژیم بدتر از گذشته شد.

سؤال این بود که چرا دولت گرایی وجه مشترک همه رژیم های سوسیالیستی بوده است. آیا همه فاجعه از درک ناصحیح از مارکسیسم است، یا آنکه در اندیشه مارکسیسم سببی برای آن میتوان یافت. همانگونه که ارسطوگرایان، آنچه خود ارسطو انجام میداد، یعنی اندیشه و تحقیق درباره طبیعت و جامعه را انجام نمیدادند، و به عوض تفسیر کتب ارسطو را پیشه خود ساخته بودند، بسیاری از مارکسیستها نیز پس از شکست های کمونیزم، راه ارسطوگرایان را در پیش گرفتند، و بجای انجام آنچه ارسطو و مارکس انجام میدادند، یعنی بررسی جهان، با تفسیر این نامه و آن متن از مارکس خود را مشغول کردند. حتی تحلیل ابژکتیو خوبی از مارکسیسم نیز نتوانستند ارائه دهند، چرا که در درون آن ماندند، و نظیر اسلام گرایان اصلاح طلب، همت خود را صرف آن کردند تا پایه گذار مکتب خود، مارکس یا محمد را، از عاقبت داستان سوسیالیسم موجود و اسلام موجود در امان نگه دارند.

من در رساله زیر از بیرون به مارکس و مارکسیسم مینگریم، و همانگونه که بهتر از ارسطوگرایان به دست آوردهای ارسطو ارج می نهم، اینجا نیز بهتر از آنان که مذهب گونه از مارکس پیروی کرده اند، دست آوردهای مارکس را ارج مینهم، هرچند در عین حال، قصور مارکسیسم، که باعث استبداد رژیم های کمونیستی شده را مورد کنکاش قرار داده، و نیاز به گام نهادن فراسوی مارکسیسم را نشان میدهم.

امیدوارم آنانکه صادقانه در جنبش مارکسیستی هستند، این نوشته را بخوانند، و خود مستقلاً ارزیابی کنند که آیا پاسخ به معضلات دنیای نو، نیاز به راه یابی فراسوی مارکسیسم دارد و یا آنکه اصلاح طلبی مارکسیستی و رفرم در آن میتواند راهگشای آینده باشد. پایان مارکسیسم به معنی بی ارزشی کارهای مارکس نیست، همانگونه که پایان ارسطوگرایی به معنی بی ارزشی کارهای ارسطو نبود. نقد من از مارکس و مارکسیسم در اینجا اصلاً به معنی دور ریختن دست آوردهای این اندیشه در 150 سال گذشته نبوده و نیست. متن انگلیسی این رساله من در بیبلیوگرافی زیر در کنار کارهای دیگری که به موضوع مرتبط هستند، ذکر شده است، و همچنین بسیاری از منابع دیگر بیبلیوگرافی زیر میتواند برای مطالعه بیشتر موضوع مفید باشند:

<http://w1.866.telia.com/~u86603748/marxism.html>

## دینامیک مونیسم تاریخی پیشینه - 1

در خود متدولوژی در مارکسیست نظران صاحب برخی هر چند است. بوده مدرن عصر در (یکتاگرایی) مونیستی های سیستم ترین نفوذ پر از یکی مارکسیسم: است. بوده مونیستی سنتی اساساً مارکسیستی فلسفه اما بودند، پلورالیست اندیشه از معینی های عرصه

قرون در کاتولیک کلیسای مونیستی های دکترین با مقایسه در است، بوده (پویا) **دینامیک** بیشتر است، داده نشان مارکسیستی فلسفه که مونیسمی من، نظر به ذکر است لازم. کنند استنتاج واحد اصل یک از را دنیا تحلیل میکنند سعی یعنی مشترکند، مونیسم در آنها هر دو اما. اند بوده (ایستا) **استاتیک** بیشتر که، وسطی تا باستان یونان در Empedocles امپدوکلوس و از داشته وجود نیز گرائی کثرت یا پلورالیسم نگرش، (استاتیک و چه دینامیک چه) مونیسم با مقایسه در که کنم این در اما، پرداخته غرب فلسفه در پلورالیستی نگرش به ای جداگانه **رساله** در من. اند شده طرح فلسفه تاریخ در پلورالیستی فلسفی نظرات بسیاری امروز به است. مارکسیستی مونیسم بویژه و مونیسم من توجه موضوع رساله،

در شاید. است کرده ارائه باستان یونان در Heraclitus هر اکلید فلسفه، تاریخ در را ام نامیده (پویا) دینامیک مونیسم من آنچه مبسوط طرح اولین من نظر به Dichotomous اعداد وحدت طرح با که بوده کسی اولین هر اکلید من نظر به فلسفه در اما دانست، اندیشه این کسوت پیش بتوان را زرتشتیان مذاهب، میان است کرده مدون را مونیستی دینامیک دیدگاه خود، فلسفه بنیان بمثابه، Unity

فرض مطلق را اولیه عنصر بودن تقسیم قابل غیر وی. است بوده باستان یونان در (ایستا) **استاتیک** مونیسم دیدگاه منادی Parmenides پارمینیدوس مقابل در ناپذیری تقسیم نه و داشتند مطلق جایگاه تضاد و تغییر هر اکلید، **ی (پویا) دینامیک** دیدگاه از صورتیکه در میکرده،

**میشد تصور جامعه و جهان واقعیت بیان و نبوده، متدولوژی یک فقط دیالکتیک هر اکلید، برای**

آتش از نیز روح حتی وی برای. میکند حفظ تغییر در سیالی بشکل را خود وحدت اینکه با است، مداوم تغییر در که میشناخت "بنیادی عنصر" را آتش هر اکلید و مردم خود منفعت خاطر برای زور از استفاده. است اعداد اتحاد است هر اکلید منطق اصلی مشخصه آنچه. است متضاد خصلت یک دارای و شده ساخته آب و تکامل کل خلاصه طور به. نیست مبارزه از غیر چیزی او نظر از عدالت و است، اخلاق و سیاست از وی دیدگاه اصلی نکات چیز همه پدر بمثابه جنگ به اعتقاد اندیشه بعد، سال هزار که است جالب. مییابد هستی ها تضاد و ها نفی طریق از که است تکاملی ماریچی پرورش هر اکلیدی، مونیسم دیدگاه از جامعه و طبیعت کرد جلب خود به رنسانس عصر در را اروپا روشنفکران توجه هر اکلید های

در را پلورالیسم بیشتر رفرماسیون. رنسانس دیگری و رفرماسیون یکی کاتولیک، کلیسای با چالش در دو هر بود، اجتماعی جنبش دو شاهد وسطی قرون پایان مونیسم هر چند داشت، مونیستی نگرشی بیشتر رنسانس اما. ام پرداخته بیشتر پلورالیسم درباره ام رساله در آن به و میگرد عرضه کاتولیک الهیات برابر بودند تطابق قابل غیر وسطی قرون استاتیک دیدگاه با علمی جدید های تنوری که آنجا از بویژه دینامیک،

هاروی، گالیه، کپلر، کشفیات بود تطابق قابل غیر بطلمیوسی نجوم و ارسطو مرکزین زمین و استاتیک درک با خورشید دور به زمین گردش کپرنیکی تنوری تأیید علم طرف از پیش از بیش آن مکانیکی شکل به حرکت. کردند وارد وسطایی قرون استاتیک های نگرش به شدیدی های ضربه دیگران و لاپلاس،

در بعد علم، وضعیت با بود، استاتیک که مونیسم پارامیندی مدل از بیش بسیار تکاملی، سیال و تضاد، حرکت، مفهوم بر تأکیدش با مونیسم هر اکلیدی مدل. میشد بود تطابق در وسطی، قرون از

در اروپا، در رقیب اخلاقی های بندي گروه و سیاسی فراکسیونهای شد کلیسا هر می اتحاد جایگزین متضاد، های فرقه رقابت و کاتولیک کلیسای پاشیدن در متضاد منافع انکار قابل غیر سازی نمایان با بود همراه اش دفاعیه اما میکرد، دفاع سلطنت از ماکیاولی. گرفتند شکل اجتماعی گوناگون مسائل با رابطه سیاست

طرح خصوصی، مالکیت یعنی میدانست، اجتماعی های تضاد همه ریشه وی آنچه نفي با را خود اتوی ، Sir Thomas More مور توماس سر زمان همان در خود جمعیت اضافه تئوری به و برده کار به اقتصاد عرصه در را اصل همین مالتوس و میکرد قلمداد زندگی محرک نیروی را بقا تنازع هویس. میکرد انتزاع یک وی "عمومی اراده". کند حل را اجتماعی تضادهای "will of all" همه اراده و "general will" عمومی اراده" تفکیک با کرد کوشش روسو. میرسید مارکس و هگل توسط ها بعد "عمومی اراده" مفهوم که است ذکر قابل نکته این. بود جامعه به دیالکتیکی برخورد یک طریق از فردی، های خواست از کیفی، وجود به کدام هر مدرن جامعه مخالفین و طرفداران نتیجه در. باشد "عمومی اراده" این مجری آنها آل ایده دولت که بودند آن خواهان آنها هر دو و شد، دنبال اند بوده معتقد اجتماعی نظم درون در ها تضاد از نوعی

دینامیک دکارت دترمینیسم. جامعه در چه و علم در چه بود، تناقضات عصر این در گوناگون معضلات حل برای مونیسم مناسب شکل دینامیک مونیسم نتیجه در اما بودند تر دینامیک ارسطو منطق مقولات از نیز کانت منطقی چهارمقوله. را ها یکسانی نه و میکرد برجسته را ها تضاد واقع در او ماده و فکر دوالیسم و بود شد انجام هگل دست در دینامیک مونیسم واقعی حیات تجدید

هر یکشد چالش به سال هزار دو از پس را ارسطویی سیستم که شد قادر وی سیستم و شد، انجام ای فاضلان شکل به هگل طرف از مونیسم حیات تجدید کار به را وی های انگاره وسطی قرون در وی پیروان ولی مونیستی، تا داشته پلورالیستی گرایشات بیشتر نوشتن پلورالیسم رساله در که همانگونه ارسطو خود چند فلسفه نوزدهم، قرن پایان در بالاخره و میشود، شروع هگل با دینامیک مونیسم اندیشه واقعی تاریخ آنکه، خلاصه بودند کرده تبدیل مونیستی استاتیک سیستم یک افکار در ای برجسته موقعیت هگل دینامیک مونیسم نیز امروز به تا حتی و میشود، کلیسا غالب و اندیشه زده پس کاتولیک کلیسای از را استاتیک مونیسم هگل دارد کاتولیک فلاسفه

تقریباً را خود سیستم برد کار که بود کرده قادر را او وی، گونه المعارف دایره دانش. هستند فلسفه یک بمثابة دینامیک مونیسم ارائه بهترین هگل فلسفی کار های کارل نظیر دینامیک، مونیسم منتقدین بیشتر که است این. متافیزیک و منطق، بشر، تاریخ تا فلسفه تاریخ از کند، دنبال فلسفی اندیشه های عرصه همه در یکشد نقد به فلسفی نگرش این مختلف موضوعات در مستقیماً را هگل میدهند ترجیح هنوز هگل، مرگ از بعد قرن نیم و یک یعنی ما، زمان در حتی پاپر،

Absolute Idea، مطلق، روح مطلق، ایده) The Absolute کل مطلق توسط objects عینیات همه کلبت. بود آلیستی ایده دیالکتیک هگل فلسفه فلسفه کتاب در. میروود کار به جامعه و طبیعت از وی ارزیابی سراسر در نفي، در نفي یعنی وی، منطق اصلی هسته. میشد حفظ (Absolute Spirit, etc) شکل به بالاخره و میشود، کیفی تغییرات دستخوش کمی، تغییرات از پس که است، طبیعت در اضداد وحدت واقع در مطلق که میکند فاش را این طبیعت میشود انجام حرکت سنتز-تر آنتی-تر یعنی Hegelian triad هگلی معروف تائی سه مجموعه مارپیچی

است، زمان در تاریخی مختلف مراحل ترسیم حرکتش و میگذرد، مختلف ملل تضادهای میان از the Absolute Spirit مطلق روح هگل، تاریخ فلسفه در میباید باز آل، ایده دولت مثابه به پروس، سلطنت هیبت در را خود سرگردان، روح این معهدا،

متضاد راه دو و کشیده اشتباه به را شناسان جامعه بسیاری دیگر، سوي از افلاطون نخبگان دولت و سو، یک از مارکس و هگل آل ایده مطلقه دولت بین شباهت اند کرده تصور یکسان را، اند شده منتهی نتیجه یک به که استاتیک، و دینامیک مونیسم

استفاده قابل مجهول های چیز حدس برای منطق، در تخمینی تئوری یک عنوان به تضاد تئوری و دیالکتیک معتقدم من که کنم نشان خاطر اینجا در دید اجازه یک مثابه به دیالکتیک دیدن میکنم نقد هگل ابژکتیو الیسم ایده فلسفه در آنچه .اند استفاده قابل "استقرأ" یا و "خطا و آزمون" که همانگونه هستند، است جهان کل بیان دیالکتیک که است امر این به گونه مذهب اعتقاد بلکه نیست conjectural تخمینی تئوری

### تاریخی رویداد سه

معرفی آنها اولین دادند شکل را اروپا در نوزدهم قرن های اندیشه که کنم، ذکر را عامل سه که است لازم هگل، از بعد دینامیک مونیسم بیشتر بررسی از قبل که ام، کرده بررسی را **بیستم قرن در علمی** های تئوری اهمیت من ای جداگانه مقاله در) بود علمی های تئوری دیگر کنار در آن تاثیر و داروین تکامل تئوری و بودند اروپا 1848 های انقلاب رویدادها این دومین .( است نوزدهم قرن من بحث موضوع جا این اما .اند گذاشته تاثیر ما عصر فلسفی بر اندیشه چگونه قرن این در داری سرمایه های بحران اولین و صنایع سریع پیشرفت آنها سومین بالاخره

### داروین تکامل تئوری

بر را اصلی تاثیر هنوز دوم مدل .میگرد جایگزین تکاملی مدل یک با را آن و ریخته دور به را جهان مکانیکی مدل که بود ای علمی دعوی داروین تکامل تئوری حدس طریق از قبلاً را داروین های یافته هگل واقع در بود هگل فلسفه طرف به فلسفی اندیشه توازن تغییر داروین، کشف حاصل .دارد مدرن متفکرین اندیشه بود کرده طرح طبیعت درباره دیالکتیکی فلسفی

جامعه تا بود مناسبی همانندی طبیعت در انواع مفهوم شد تلقی بیولوژیک زندگی در اعداد وحدت علمی اثبات مثابه به وي، بقاً تنازع نظریه و داروین کشفیات شود کشیده دست فردی حقوق و فردیت نظیر لیبرالیسم فلسفه مفاهیم از و شود، تحلیل (نیچه) نژادها یا و (مارکس) طبقات به بندی دسته با نیز بشر

قرن **collectivist** گرایانه جمع برداشت در تاثیر فردی ابتکار و عملکرد درباره داروین خود دعوی حتی و تکامل **Lamarckian** لامارکی های متغیر نتیجه در و است رسانده ثبوت به را اعداد طریق از طبیعت وحدت و مونیسم داروین تئوری که میشد تصور اینگونه .نداشت وي های تئوری از نوزدهم شد تلقی علم نتیجه بیان دیالکتیک، یا دینامیک مونیسم

لیبرال همواره خود داروین اما بود، لیبرالیسم ضد اساساً هگل .میکنند تقدیم داروین به را خود کاپیتال اول جلد مارکس کارل که نیست آور شگفت این نتیجه در شد استفاده نیچه و مارکس نظیر هگل، پیروان طرف از وي تئوری هرچند ماند، باقی

## اروپا 1848 های انقلاب

قبلی های انقلاب داشتند تفاوت مهم جنبه یک از هفدهم، قرن در انگلیس انقلاب ایا و هجدهم، قرن در فرانسه و آمریکا های انقلاب با اروپا 1848 انقلابهای جوامع این خود تضادهای بیان 1848 های انقلاب اما بود آمریکا و اروپا پیشرفته جوامع با متحجر فئودالیسم و شده منسوخ کلونیالیسم تطابق عدم بیان واقع در همچنین بلکه حال، اقتصادی-اجتماعی شرایط و گذشته اقتصادی-اجتماعی سیستم بین یعنی افتند، می اتفاق زمان در تنها نه تضادها نتیجه در بود صنعتی نوپای تقویت دینامیک مونیسم معتقدات اینگونه به و بود سیاسی اعداد وحدت اروپا اتحاد میدهند نشان را خود گوناگون سیاسی-اجتماعی های بندی گروه بین همزمان شدند.

### داری سرمایه اقتصادی بحران اولین

بصورت ها کارخانه در کار سازمان و محصولات ساختن پرورده گذاشت نمایش به نوزدهم قرن در را خود درونی های تناقض اولین صنعتی جامعه ترقی تولید "دیالکتیکی" های جنبه از مواردی... سرمایه، و کار مصرف، و تولید سود، و مزد بود آشکار آن سطح هر در تضاد و نبود، استاتیک اما بود، هیرارشی قوت عصر آن اجتماعی فلسفه بمثابه دینامیک مونیسم توجیه به پیش از بیش قرن، این در داری سرمایه بحران پی در تناقضات این تشدید اما بودند صنعتی داشت مهمی تأثیر مارکس فلسفی افکار بر زمان اقتصادی واقعیت واقع در بخشید.

\*\*\*

صنعتی جامعه فقیر اکثریت سوبیش و سمت که نهاد بنا مارکس کارل را اولی گرایش شد دنبال متضاد فکری مکتب دو طرف از دینامیک مونیسم هگل از پس بودند نوین دنیای ثروتمند اقلیت سوبیش و سمت که کرد گذاری پایه نیچه را دومی گرایش بودند.

در ای فلسفه هیچ مذهبی، مکاتیب از برخی استثناً به شاید میگیرد بر در را زندگی گوناگون های عرصه وی فکری مکتب و نبود فیلسوف یک تنها مارکس کارل است نگذاشته اثر مردم اندیشه بر مارکسیسم اندازه به تاریخ

بعدهای پیشرفت از مارکسیستی فلسفه معهدا دانست می فوئرباخ و هگل ادامه را خود افکار و دانست نمی غرب فلسفه از جدا را خود های ثوری مارکس در 1845 سال در که میگرد بر مارکس خود به مارکسیستی فلسفه در برخوردار این کرد حفظ خود درون در را خود های بحث اساساً و ماند جدا غرب فلسفه آن \*تعبیر\* مقصود صورتیکه در اند، کرده \*تفسیر\* مختلف های گونه به را دنیا تنها فلاسفه" که نوشت چنین فوئرباخ درباره ترهای در خویش معروف عبارت (133 ص، 1903 لویس، چارلز نسخه فوئرباخ، درباره ترهای مارکس، کارل) "است.

در تنها را فلسفی تعمق به نیاز دورینگ آنتی در نگلس فردریک بعد، سال 40 اما بناد انجام فلسفه عرصه در مهمی پروژه ترها این از پس مارکس خود قادرند مختلف علوم که مبنا این بر میکند، نفی را فلسفه استقلال به نیاز کاملاً انگلس کتاب، همان مقدمه در آن از بعد سال ده و ببیند می آینده در منطق عرصه کنند طرح فلسفه به نیاز بدون را دانش مختلف مسائل

باز خود فلسفي عقائد از را انگلس و مارکس خود هيچگاه فلسفي تفکر کردن متوقف آرزوي واقع در ام نوشته ديگر جاي در بالا ديده‌گاه مشکل درباره من علمي مطالعه مستقيم نتيجه مثابه به را مارکسيستي فلسفه يعني ديالکتیک، ماترياليسم است کرده سعي خود طبيعت ديالکتیک کتاب در انگلس واقع در نداشت گرائي احساس آلمان، کلاسيک فلسفه يابان و فوئر باخ لودويگ کتاب در انگلس ها بعد دهد نشان هستي واقعي عنوان به فلسفي، داوري پيش بدون طبيعت ميدهد مقام ارتقا فلسفه آخرين منزلت به را مارکسيستي ديالکتیک ماترياليسم بلکه نميکند، اعلام فلسفي هاي کوشش يابان بعنوان را فوئر باخ

عرصه در مارکسيستها اساساً آنچه نکردند فلسفي جديد تأملات براي کوششي هيچگاه مارکسيستها چرا که نيست انگيز شگفت ديگر بالا، ديده‌گاه داشت نظر در با رقيب هاي فرقه مابين في منازعه در يا و است، بوده فلسفي ديگر مکاتيب برابر در مارکسيسم از دفاع يا اند، داده انجام انگلس و مارکس از بعد فلسفه باعث بيشتري و بيشتري مارکسيستها خود بين دروني هاي جدل است بوده انگلس و مارکس نشده منتشر و شده منتشر متون تازه هاي تفسير طريق از مارکسيستي، مارکسيسم درباره فرقه اين بين هاي بحث در ديده‌گاه آن يا اين اثبات براي اسناد آن از استفاده و بوده، انگلس و مارکس خصوصي نامه و يادداشت هر کاوش است خود نظرت اثبات براي مقدس کتب متون در مذهبي متفکرين کنکاش با مقايسه قابل تنها مارکسيستها، ميان کلاسيک متون شکافي مومنين . راستين

در مارکسيسم مانند خالص از دفاع براي 1908 سال در که است، لنين امپيروکريتيسيسم و ماترياليسم کتاب انگلس، از پس مارکسيستها فلسفي اثر مهمترين خود سيستم در را آن پاسخ قبلاً انگلس و مارکس گوئي که شده خورد بر نوعي مدرن فيزيک به مربوط سؤال هر به کتاب آن در ميشود نگاهشده پوزيتويسم برابر کليات لنين،) ميدهد نسبت انگلس به نوعي به را خود تعريف ولي ميکند، ارائه را ماده انعکاسي نوري لنين ميشود، لازم ماده جديد تعريف به نياز وقتي و اند داده داد خواهم توضيح لنين کتاب اين درباره بيشتري بعداً (114ص، 1960 مسکو، چاپ، 14 جلد انگليسي، به آثار

( اقتصادي عرصه در مارکس هاي تئوري درباره بحث از من ميکنم بررسي مختصر بطور را ديالکتیک ماترياليسم يعني مارکسيستي مونيسم من زير سطور در فلسفه روي بر را خود توجه و ميکنم، پرهيز ممکن حد تا، (طبقاتي مبارزه نوري) سياست و، (بيگانگي خود از تئوري) شناسي جامعه، (اضافي ارزش تئوري مورد آل ايده يا فلسفه یک عنوان به فقط ميتواند سختي به جديد، عصر اندیشه انگيز ترين بحث و ترين نفوذ با مثابه به مارکسيسم چند هر ميکنم، متمرکز مارکس است ناپذير جدائي بشريت بزرگ بخش تجارب و اجتماعي زندگي از، و گيرد قرار مطالعه

## مارکسيستي مونيسم و مارکس -2

سر بر را، بود ايستاده خود سر بر که هگل، سيستم "وي مينويسد، کاپيتال اول جلد در که همانگونه است ماترياليسي هگل ديالکتیک از مارکس برداشت نحوه اتخاذ با جوان، هاي هگلي جمع از جدائي از پس را خود نگرش نيز فوئريخ و ميکند، تاسي باخ فوئر از مارکس را ماترياليسي موضع اين "ميکند استوار پا ايده تنها و ميکند، حفظ را هگلي سيستم اي پایه اصول تمام مارکسيسم، فلسفه يعني ديالکتیک، ماترياليسم بود برگزيده sensationalism گرائي احساس موضع ميکند جايگزين ماده با را هگل Absolute Idea مطلق

سبک به دوباره ها تضاد جهان ياشند معتقد معنوي وحدت یک به توانستند نمي ديگر که کرد، ممکن روشنفکراني براي را مونيستي وحدت واقع، در ماترياليسم پري آنچه يا ماده، بوسيله شده اشغال فضاي نظير انتزاعي، و مطلق اي ماده با بلکه آتش، نظير معيني ماده با هر اکليد چون نه اما رسيد، وحدت به هر اکليد با روياروي در را، ديالکتیک مابرياليسم يعني جديد، دينامیک با مونيسم و وحدت فلسفي، ماده اينگونه و ميخواندند، باستان يونان در پارامينيدوس plenum کرد طرح ماده اجزا جديد کشفيات

اندیشه این پندارد می جهان تغییر برای ابزاری را خود فلسفه وی یعنی است، **instrumentalist** ابزارگرایانه مارکس فلسفه کنونی، اصطلاح در دیگر، عبارت به بودند پذیرفته اجتماعی تغییر برای را طبقه این آوانگاردیسم که روشنفکرانی و (پرولتاریا) کارگر طبقه دست در بود ای ابزارروشنفکری این واقعی درک فرد، طبقاتی جایگاه از جدا که چرا بفهمند، درستی به میتوانستند مارکسیست واقعی معتقدان تنها را فلسفه این که میشد، ادعا گونه مذهب در زندگی های عرصه همه به برخورد در دیدگاه این داشتند ایمان آن به که هائی آن برای بود ابزاری خلاصه بطور باشد کامل توانست نمی مکتب ام کرده بررسی مفصلاً **دیگر** درجای را دیدگاه این دولت، موضوع عرصه در میشود تکرار مارکسیسم

به بود کوششی کتاب آن است شده طرح مقدس خانواده نام به انگلس و مارکس کتاب در بار اول پرولتاریا، گونه مذهب mission مأموریت از درک اینگونه ادعا دیالکتیکی شکل به بار، اول برای کتاب آن در جوان های هگلی سیستمهای تناقضات رفع برای نیز و هگل، سیستم تناقضات حل برای هگلی سبک از نفی این در که ندارد زنجیرهایش جز چیزی که چرا است، بورژوازی یعنی خود، ضد هم و خود هم نابودی خواهان که ایست طبقه تنها پرولتاریا که میشود، است داشته وجود بشریت تمدن تولد ابتدای از که بود طبقاتی جامعه پایان نفی، این بدهد دست

ارائه با نه و است، شده ارائه فلسفی های تحلیل طریق از بشر تاریخ اساساً اخیر کتاب در مینویسند را آلمانی ایدئولوژی کتاب انگلس و مارکس کتاب، این از پس فلاسفه اندیشه در اجتماعی شرایط انعکاس عنوان به فلسفی مکاتیب یعنی شده، ارزیابی ماتریالیستی شکل به فلسفه تاریخ کتاب، این در معهداً تاریخی اطلاعات اند شده ارزیابی برجسته

این با میکند، حفظ را هگل دیالکتیک میدهد پایان را خود فلسفی تفحصات مارکس تز، یازده در جا آن در بود 1845 سال در باخ فوئر درباره تزه های بعدی گام در ذهنیت و عینیت رابطه مبنای حقیقت، معیار عنوان به را "پراتیک" به بازگشت وی فوئر باخ، با مقایسه در همچنین میکند عجین ماتریالیسم با آنرا که تفاوت رد را Hume's agnosticism هیوم اگنوستیسم و کانت، گرانی ذهن معیار، با این و میکند، اعلام خود epistemology شناخت تئوری میشود درک وی بعدی کارهای در کارگر طبقه عمل شکل به "practice عمل" میکند

فلسفی اثر، فوئر باخ درباره تزه های از پس مارکس حال عین در ولی اند، شده نوشته وی اندیشه بلوغ دوران های نوشته از قبل همه شده، ذکر کتب این واقع در فلسفه به بسیار که داد، شکل را تاریخی ماتریالیسم یعنی وی، تاریخ تئوری سیاست، و اقتصاد در دیالکتیک ماتریالیسم از استقاده هر چند نمیکند منتشر مهمی که هستند، تاریخ از مارکس دیدگاه از هائی نمونه بنیادیت لویی برومر هجدهمین و فرانسه، در طبقاتی جنگ کمونیست، حزب مانیفست است شبیه هگل تاریخ اش نشده منتشر کتاب در، 1858 سال در مانیفست، از بعد سال ده است شده فرض تاریخ محرک نیروی عنوان به طبقاتی مبارزه آنها در پایان به بود، کرده آغاز آلمانی ایدئولوژی با که را خود تاریخ تئوری نهائی طرح وی سیاسی، اقتصاد نقد درباره بحثی کتاب در و Grundrisse گروندریسه میکند عرضه و رسانده،

به تولید دیالکتیکی، سبک یه سپس میشود اعلام اجتماعی های فعالیت کننده تعیین و نهائی عامل مثابه به تولید مونیستی، شکل به مارکس، تاریخی ماتریالیسم در آنان تولید ابزارهای دومی و کنندگان تولید اجتماعی روابط بست جمع اولی میشود تعریف "مولد نیروهای" و "تولیدی روابط" وحدت یعنی اعداد، وحدت شکل از وی مدل در امر این ولی نیست، یکسان مارکس مختلف های نوشته در اصطلاح دو این مفهوم هست نیز تولیدکنندگان فکری و فیزیکی فعالیت شامل که است است اعدادی وحدت دینامیک مونیسم که ندارد، اثری جامعه

با دوباره شده، سنتز هارمونی این میآید بدست انقلابی تحول با جدید هارمونی و میکنند، رشد تولید روابط و رای در مولد نیروهای تاریخ، از مارکس مدل در داری برده اولیه، کمونیسم: میکند طی را مرحله پنج که میکند تعیین را تاریخ علت تضاد وحدت این میشود نفی سنتز آنتری-تیز Triadic گانه سه حرکت همین قرار که میشود داده قول موعودی جامعه و دیالکتیکی، شکل به است اولیه کمونیسم نفی پنجم مرحله. کمونیسم و داری، سرمایه فئودالیسم، (آسیائی تولید شیوه یا) شود متحقق سوسیالیسم، نام به گذار دوره یک پی در است

آن سرنگونی ناپذیری اجتناب و داری سرمایه تولید ارزیابی به معطوف را خود هدف، کاپیتال یعنی خود العمر مادام کار در مارکس بالا، طرح ارائه پی در میدهد نشان داری سرمایه توسعه خود طریق از را آزاد رقابت نفی و شد خواهد انحصاری داری سرمایه تولید که میکند بینی پیش و ی. میکند سوسیالیسم بوسیله

و شده، تلقی سیاست و اقتصاد شده فرض پیش واقعی دیالکتیک، مارکس برای است آشکار اجتماعی مسائل با رابطه در وی مونیسم هایش، کتاب تمام در اجتماعی علوم ماتریالیستی نهائی اصل واقع در که میشود، فرض اجتماعی توسعه \*نهائی\* علت مثابه به اقتصاد. اقتصادی تا است فلسفی بیشتر سیاسی اقتصاد شوند تبدیل positive sciences مثبت علوم به علوم این داد اجازه که است، بوده

همان در ولی شده، تأکید مونیستی نگری جنبه یک از حذرکردن به نیاز و شده ذکر دیگر عوامل اهمیت مارکس و انگلس های نامه برخی در که است درست است بالا شرح به تحول نهائی تحلیل در که نویسد می وی بلوک، به انگلس نامه نظیر نیز، ها نوشته

است پائین اصل پنج مارکسیسم اساس

است اجتماعی طبقه ترین انقلابی پرولتاریا - 1

شود اعمال کمونیست حزب یعنی وی پیشتراز طریق از میبایست طبقه این رهبری - 2

(سوسیالیستی دولت) کند برقرار را پرولتاریا دیکتاتوری و گیرد دست به را سیاسی قدرت بایست می حزب این- 3

. کند نفی دولتی مالکیت طریق از عمومی مالکیت با را خصوصی مالکیت نتیجه در کند، ملی را چیز همه بایستی دولت این - 4

میشود متولد کمونیسم عصر و میشود محو دولت آن طی که است گذاری دوران سوسیالیسم - 5

صورتیکه در است، نکرده ارائه آن به رسیدن برای نقشهای اما کرده، ذکر را سوسیالیسم جزئیات همه مور توماس مارکس، از قبل سال 300 که است جالب مدرن عصر سوسیالیستی سیستمهای همه اشتراک نقطه این و میکند مشخص مانیفست در سوسیالیسم به رسیدن راه عنوان به را دولتی مالکیت مشخصاً مارکس است.

علیه بر "خیراندیش" دولت مطلقه و "آمیز سحر" قدرت از زمانیکه اند، شده باکید گوتا برنامه نقد و فرانسه در داخلی جنگ های کتاب در مشخصاً بالا اصل پنج و دموکراسی، عدالت، لیبرالی اصول همه با مارکس مخالفت "گوتا برنامه نقد" در همچنین است شده دفاع، Lassalleans ها لاسالین یعنی رویونیستها، اولین ارائه میشود نفی آنچه مقابل در پرولتاریا آلترناتیو اما است، فریبی عوام بورژوازی طرف از اصول این بیان که میگوید هرچند است، آشکار روشنی به آزادی میشود حل پرولتاریا دیکتاتوری ارائه با مونیستی بشکل نیز این و است، مسأله که است دولت طبقاتی خصلت فقط گوئی و نمیشود

کرده ارائه لاک جان آنچه در فراسوی قضای عدالت نوین اصول منشأ داشتند، پیشرفت کار حقوق نظر از اینکه با سوسیالیستی کشورهای بعدها که است این اساساً نیز آنان اما گرفت، فاصله پرولتاریا دیکتاتوری از و کرد مخفی سالها را گوتا برنامه نقد اروپا دموکراسی سوسیال کردند تنزل هم آن از بلکه نشده، بود جلوگیری شوروی نظیر دیکتاتوری به آنها گرانی دولت تبدیل از اروپا پیشرفته جامعه هرچند و کردند، حفظ را مارکسیسم گرانی دولت خود ببینش در چین و شوروی که دارند و داشته همانقدر را گرانی دولت فساد و بوروکراسی ولی میکرد،

تلقی دولت این از کوتاه ای نمونه عنوان به وی را پاریس کمون مارکس، هرچند برای و یافت، پایان پروس دولت در هگل برای "تاریخی" پروسه آنکه خلاصه نقد به را مطلقه دولت از هگل تحسین هیچگاه مارکس. افتد اتفاق مارکس مرگ از پس شوروی اکتبر انقلاب تا میکرد صبر میبایست پروسه این بود، کرده جهان جامعه برای وی نهایی خواست فقط. است آشکار هگل حقوق فلسفه نقد در یعنی زمینه این در وی های نوشته اولین در برخورد این و نکشید، ار، موجود سوسیالیسم رنج و درد تا است، کرده فراهم مارکسیستها پی در پی های نسل برای را ای مذهبی امید که میکند، تداعی را مور توماس اتوپی وطنی، کنند تحمل آینده اتوپی آن در فراغت امید به

### 3- مارکسیستی اتوپی

سال در مارکس، از قبل سال 300 از بیش که کنم، قول نقل اش پیشنهادی اتوپی از را مور توماس توصیف دهید اجازه کنم، بررسی را مارکس اتوپی آنکه از قبل چنین که شد، خواهند متقاعد مردم میکرده فکر و نبوده، خود اتوپی به رسیدن برای دیکتاتوری دولت خواهان مور، خودتوماس البته و است، شده نوشته 1516 هرچند شد، دنبال سیمون سن و فوریه نظیر 19 و 18 قرون تخیلی های سوسیالیست توسط ها بعد مدل این کرد خواهند انتخاب خود چوامع آینده برای را مدلی برتراند زیر را خلاصه توصیف میزند پیوند مسیحیت اصول با آنرا سیمون سن و میکند، اضافه آن به promiscuity جنسی و بند ببقید روابط زیادی مقدار فوریه است مشابه های اتوپی همه بیانگر و است خواندنی بسیار که میکند نقل مور توماس اتوپی از راسل

کمونیسم بدون و دارد وجود خصوصی مالکیت زمانیکه شوند شکوفا نمیتوانند مردم عموم که چرا است، مشترک چیز همه افلاطون، جمهوری نظیر اتوپی، در " است پایتخت که یکی از بغیر سطح، یک در همه دارد، وجود چهارشهر و پنجاه اتوپی در... نیست ممکن تساوی

خود های خانه مردم سال ده هر... باغ بطرف یکی و خیابان بطرف در یک با یکسانند، کاملاً خصوصی های خانه تمام و دارند، عرض فوت بیست خیابانها همه " نیست زمستانی و تابستانی لباس بین.. اختلافی هیچ و نمیشود، عوض هیچگاه مد... پوشند می لباس یکسان همه. نکنند مالکیت احساس تا-میکند عوض را

آنها برای سخنرانی زود صبح در. خوابند می ساعت 8 و میروند خواب به 8 ساعت در هم با همه... میکنند کار روز در ساعت 6 مساوی زنی و مرد هر " دولت به مربوط کار های به که آنها همه... میشوند معاف دیگر کار های از است مطلوب کارشان زمانیکه تا و کنند، کسب دانش که میشوند انتخاب بعضی... هست میشوند انتخاب آموختگان دانش میان از مشغولند

زن و مرد از آنها همه هرچند نیستند، قائل نظامی افتخار برای اهمیتی اتوپیستها... میشوند تنبیه سختی به نباشند باکره اگر زن هم و مرد هم ازدواج، برای " میآموزند را جنگیدن

واقع تهاجم مورد متحدانشان سرزمین موقعیکه دوم شود، تجاوز ها آن به زمانیکه خود از سرزمین دفاع برای یکی میشوند، متوسل جنگ به هدف سه برای آنها" استبداد ستم از ملتی کردن آزاد برای سوم و شود،

"میشوند تحمل آنها همه و دارند گوناگون مذاهب خود میان در...میدهند آموزش را زر تحقیر و ندارند پولی خود، برای..."

مینویسد راسل مور، توماس افکار بررسی در سپس

از من منظور است بوده مذهبی های جنبش سنت در که نیست کمونیسم موعظه منظور من است لیبرال انگیزی حیرت بشکل ها جنبه بسیاری از مور اتوپی " نظیر مور، اتوپی در زندگی که کرد قبول بایستی معهدا است جنائی معتدل قوانین خواست و حیوانات، کشتن با ضدیت مذهبی، تحمل مذهب، جنگ، در باره آنچه سیستم تمام نقص این میشود یافت تنوع بسختی اتوپی، در و است، خوشحالی اساسی شرط تنوع است کننده کسل تحملي قابل غیر شکل به مشابه، های اتوپی همه 519-521 ص، 1945 غرب، فلسفه تاریخ راسل، برتراند "تخیلی چه و واقعی چه است، شده ریزی برنامه اجتماعی های

طبقه بی جامعه را خود ال ایده کمونیسم مارکس است الی ایده های اتوپی اینگونه سکون و مونیسم دهنده نشان وضوح به مور، توماس اتوپی تر دقیق ارزیابی گذار سوسیالیستی دولت از ای دوره مارکس بودند، دولت فوری حذف آرزوی در که آنارشیستها برعکس و است، شده محو دولت آن در که میکند توصیف ای وظیفه ولیکن نداشت، سرکوب و اجبار اتوریته با دولتی مارکس ال ایده جامعه هر چند میدید لازم خود ال ایده کمونیسم پیدایش از قبل را (پرولتاریا دیکتاتوری) ماند می نخورده دست اداری

اندازه به کس هر به و توانش اندازه به کس هر از "نویسد می وقتی است، فرض پیش گونا برنامه نقد در مارکس کمونیسم فرمول در بالا اداری ارگان به نیاز شده تأکید نیز انگلس دورینگ آنتی در کمونیستی جامعه در دولت اداری نقش آتی وجود بکند تعیین را \*نیاز\* و \*توان\* که است لازم اداری ارگان یک "نیازش جامعه که چرا نبود، کلمه وسیع معنی به "دولت" دیگر وی نظر از کمونیستی اداری ارگان نتیجه در میدانست، طبقاتی سرکوبگر نیروی را دولت مارکس است (یا) شدن سوسیالیزه طریق از طبقات اقتصادی نظر از شود توانستلقی نمی طبقاتی سرکوب اعمال مرکزی، اداری نقش این و بوده، طبقه بی زمان آن دیگر در میرفتند بین از تولید وسائل (شدن ملی

گذار دوران طی در دیگر عبارت به شوند جایگزین کمونیستی برابره عادات با داری، سرمایه فردی عادات که میگیرد، زمانیشکل کمونیسم آنکه دیگر و بین از جامعه در برابره روابط برقراری برای را اجبار هرگونه از استفاده نیاز که مییابد، تکامل کمونیستی زندگی به مردم دارویی انطباق یک سوسیالیستی، کمونیسم و سوسیالیسم بین چندانی اختلاف میشود، مربوط مرکزی اتوریته به که آنجا تا نه، یا است ممکن کمونیستی هارمونی آنکه از نظر صرف نتیجه در میبرد اند شده تکرار نیز انگلس علم تا تخیل از سوسیالیسم نظیر متأخرتر کارهای در حتی کمونیسم درباره نظریات این نیست

هم معهدا میکند مشخص "کارش اندازه به کس هر به" مبنای بر کارگران پاداش اصل با داری، سرمایه از بعد فوری گذار خاطر به را سوسیالیسم مارکس متفاوت وسائل از استفاده با هر چند، دارند مرکزی اتوریته به نیاز خود، اهداف به دستیابی برای که هستند ای اجتماعی های طرح کمونیسم هم و سوسیالیسم

رشد واقعیت در شود کامل برابری ضامن است قرار وجودش که میشود ناشی مرکزی اداری سیستم یک برای مارکس فرض پیش از مرکزی اتوریته واقعا در میکنند ناپود رانی کمونیسم ال ایده خود مونیسم نتیجه در است نابرابری اصلی منبع خود جو، مسالمت چه و سرکوبگر چه مرکزی، اتوریته این

قانون و دولت تکامل و تصحیح برای ها آن فکری هر دو مکتب جدی کوشش از مارکسیستها، دولت محو به امید هم و ها، آناشپیست دولت "انفجار" آرزوی هم همه و گذاشت، دفاع بی دولت استبدادی اشکال برابر در را ما که یا کردند، مزین سوسیالیست عنوان با را موجود های دولت حالت بهترین در و کرد، ممانعت عذر دیگر و کرد نمایان قرن نیم از بیش طی در شرقی اروپای و شوروی در را خود وجه بهترین به که اشتباهی. روسو عمومی اراده یا جمع منافع عنوان تحت بپوشاند را کمونیسم اجتماعی مدل نقصان نمیتوانست داری سرمایه محاصره و زمان کمی

که است منطقی دولت هلاکت به معتقدین. آید می بنظر بیهوده قانون و دولت مختلف اشکال دادن پیشرفت و مطالعه برای کوشش دیگر برود، بین از دولت که اگر عنوان تحت انگلس کتاب از پس که است، صادق نیز خصوصی مالکیت و خانواده درباره بحث همین. آن تکامل نه و شود مرگ این تسریع معطوف کوششان ندادند انجام سهامی مالکیت نظیر موضوعاتی بررسی و ها، عرصه این تکامل درباره ای جدی کار مارکسیستها، خصوصی مالکیت و دولت، خانواده، منشأ

مالکیت و خانواده، دولت، یعنی اجتماعی، آوردهای دست این نمیتواند بشری جامعه و بود خواهد تری بد وضعیت در نهادها این بدون بشریت من نظر به جدی، های آلترناتیو ارائه بدون ها، نهاد این کنان شادی طرد کرد خواهد صعود فاصله مدینه به کند تصور و بریزد، درو به آنها های کمبود رباخاطر خصوصی وجه بهترین به را آن استالینیس که همانگونه میکنند، اجتماعی نهادهای این جانشین را خود که آنان فردی استبداد به یا و انجامد، آناشپیستی نظمی بی به یا ها اتویی این نتیجه که است آنچه و چین، شوروی کمونیست احزاب نظیر استبداد ولی است، مدت کوتاه آناشپیستی نظمی بی همیشه واقع در داد نشان شوند تبدیل هدف به آنها برای سازی آلترناتیو و تکامل نه و نهادها، این نابودی وقتی است،

پدید بشریت برای سیستم ترین ثمر پر بمثابة را دموکراتیک نهادهای روشنگری، دوران در خصوصی، مالکیت و خانواده، ساختمان. آل، ایده دولت درباره تعمق پارچه یک رد نه و میدانم ارزش پر بسیار امروز اجتماعی فلسفه در را موجود نهادهای پیشرفت و تکامل و اجتماعی نهادهای جدید های مدل بینی پیش من. آورده نیازمند و آید، نمی دست به جهان مونیستی حدس هر یا و دیالکتیک طریق از مطمئناً مترقی نهادهای تعیین و ارزیابی. ارتجاعی عنوان به موجود سازمانهای همه است کنونی فراصنعتی جامعه نگرانه آینده معین تحلیل

## گیری نتیجه-4

فقر و المانی، ایدئولوژی مقدس، خانواده، 1844 فلسفی و اقتصادی های نوشته دست با و شد آغاز ایکور و دموکریست درباره وی دکترای تز با مارکس فلسفی کار یافت ادامه فلسفه

برشته متعددی فلسفی کارهای انگلس. وی مرگ از پس چه و مارکس، حیات زمان در چه یافتند، و ادامه تکمیل انگلس طرف از مارکس فلسفی های کوشش وی خصوصی مالکیت و دولت، خانواده، منشأ کتاب همچنین. آلمان فلسفه پایان و فونر باخ لودویگ و دورینگ، آنتی طبیعت، دیالکتیک جمله از در آورد تحریر آلمان در تکامل علم تحقیقات نظیر تاریخ علمی اطلاعات بررسی با است مارکس تاریخی ماتریالیسم شرح

این اثبات در سعی انگلس، طبیعت دیالکتیک در و کتاب این در است مارکسیسم بیان بهترین نیز هنوز و بود کرده تأیید و خوانده خود مارکس را دورینگ آنتی است غرضانه بی کوشش یک در جامعه، و طبیعت برداشت مستقیم و نتیجه نبوده متافیزیکی تئوری تاریخی ماتریالیسم که دارد امر

میکند فرموله دیالکتیک برای قانون سه انگلس

- 1- کیفی به کمی تغییر -
- 2- تضاد متقابل تأثیر -
- 3- نفی در نفی -

میدهد ارائه طبیعت دیالکتیک در طبیعت قوانین ترین کلی مثابه به را بالا اصول وی

و دیالکتیک در استالین ژوزف مثلاً دارند انگلس های فرمول با ناچیزی های تقارن دیالکتیک، ماتریالیسم از خود های مدل در وی، از بعد مارکسیستی قانون نیز و میکند، تقسیم تضاد هاو پدیده متقابل تأثیر قانون دو به را انگلس دوم و قانون میکند طرح جداگانه قانونی عنوان به را حرکت قانون تاریخی ماتریالیسم چهار در دون تسه مانو آنکه یا و. میشمرد دیالکتیک ماتریالیسم برای قانون چهار نتیجه در و. میگرد، تلقی تضاد قانون از ویژگی های حالت را انگلس نفی در نفی میکند خلاصه تضاد وحدت در را مارکسیستی دیالکتیک کل خود فلسفی رساله

بجز اصل اینکه مضافاً نیست هگلینیسم و دیالکتیک ماتریالیسم بین چندانی تفاوت هگل، فلسفه مطلق روح بجای ماده جایگزینی از غیر که است آشکار نیست متفاوت هگل تاریخ فلسفه مارپیچی تکامل با چندان نیز تاریخی ماتریالیسم، (اجتماعی تحول نهایی عامل عنوان به اقتصاد قبول یعنی) تاریخ ماتریالیستی

بلوک به انگلس نامه. اند بوده reductionist گرا تقلیل انگلس و مارکس میکنند تصور که انداخته اشتباه به را منقدین برخی مارکسیستی، ماتریالیسم معهذاً سعی و شدند، گرا تقلیل مارکسیستها از بسیاری بعدها که است درست این اما بست مدعا چنین رد در خوبی مثال 1890 سال در خود عمر اواخر در Bloch دهند توضیح دیگر طبقه یا \*طبقه\* یک مناقع پایه بر را چیز همه حتی و اقتصاد، مبنای بر را اجتماعی مسائل همه میگردند

تر نادان پیروان شناسی، جامعه دیدگاههای های تنوع دوران در مارکسیستی مونیسم حفظ برای اما نبوده، اولیه سیستم گرائی تقلیل بخاطر موضوع این لویی برومر هجدهمین در مارکس خود واقع در. سازند آزاد را خود اجتماعی بغرنج های پدیده تحلیل از تا آوردند، روی گرائی تقلیل به بیشتر و بیشتر مارکس، میکند رد را گرائی تقلیل بتایارت

در وی آثار و بوده نزدیک تماس در انگلس فردریک با باشخصاً وی. است شده داده نشان پلخانف روسی مارکسیست توسط شکل بهترین به مارکسیستی مونیسم مونیسم دفاع بهترین تاریخ از مونیستی دیدگاه نام به پلخانف معروف اثر. میشدند قلمداد مارکسیستی های کلاسیک عنوان به لنین، وی حریف نظر از حتی فلسفه نیز را انسان حتی که بود، نهایی کننده تعیین عامل کار هم اقتصاد در. بود اقتصاد اجتماعی تحول نهایی عامل وی برای. است اجتماعی علوم در مارکسیستی بود طبیعت نهایی علت ماده بالاخره و (میمون از انسان تکامل در کار نقش عنوان تحت انگلس نوشته به کنید رجوع) بود آفریده

اطلاعاتی محتوای را sense-data ها داده-حواس که بود، پلانک ماکس معروف فیزیسیست توسط شده ارائه هیروگلیف مفهوم شبیه، ماده از پلخانف تعریف امپیریوکریتیسیسم و مابریالیسم کتاب در ارتدکس غیر نظر عنوان به را پلخانف ماده تعریف لنین. میشدند decipher رمز کشف میبایست که میکرد، قلمداد واقعیت که است stuff چیزی آن ماده وی نظر طبق. میکند دفاع مارکسیستی دیدگاه عنوان به انگلس، و مارکس به استناد با ماده انعکاسی تئوری از لنین. میکند رد خود

کانتی-شبه دیدگاه بین ما، زمان در نو رئالیست‌های نظیر پلخانف که چرا بود، کوچکی اختلاف تنها این. میشود منعکس ها آن از مستقل ما حواس بوسیله آینه مانند بیشتر و بیشتر یکتاگرائی دیدگاه دافع در و میکرد، دفاع پلخانف، خود از بیش مونیسم، از لنین اینکه مضافاً دید نمی تفاوتی ابژکتیویسم و حسی، درک از خود کرد رشد لنینیسم در

مرگ از پس میدانست سوسیالیسم در اوون رابرت و قوریه، سیمون، سن اقتصاد، در ریکاردو و اسمیت فلسفه، در باخ فوئر و هگل دهنده ادامه را خود مارکس رشد خاطر به همچنین و فلسفی، مستقل تأملات شماردن خوار بخاطر بخشاً گرفت، فاصله غرب فلسفه از بیشتر و بیشتر مارکسیسم، 1883 در مارکس غرب دنیای از خارج در مارکسیسم

مدتی برای لنینیسم و خوردند شکست روسیه در ترنسکیسم و کائوتسکیسم. "راستین" مارکسیسم مدعی هر یک کردند، رشد مارکسیسم مختلف های شاخه مرگ از پس باز بیشتری های شاخه حتی و مائوئیسم، و استالینیسم مثلاً زدند شاخه مارکسیسم از بیشتری انواع، 1924 در لنین مرگ از پس شد پیروزمند آمدند بوجود مائو و استالین

کرده حفظ نوعی به را مارکسیسم اولیه مونیسم کماکان Marxist Great Schism مارکسیسم عظیم تفرقه و انشعاب عصر این در مارکسیسم های "فرقه" همه میکنند شروع "اصول" از همه، "رویزیونیست" چه و "ارتدوکس" چه. اند مارکسیسم اولیه وحدت به گشت باز آرزوی در مذهبی، های فرقه نظیر همه و اند هست و بوده وسطی قرون در تثلیث بردن سؤال زیر نظیر کمونیستی کشورهای در مارکسیسم اصول ریختن دور به

کیش یک به مارکسیسم زمان، گذشت با اما بود اجتماعی علوم و انسانی علوم های عرصه در علمی میانی ایجاد پی در و دگماتیسم نقد در سعی مارکسیسم در ابتدا در مارکسیستها آنچه بسازد، ایدئولوژیک مطلقه دولتهای هیرارشی نشد قادر هیچگاه وسطی قرون کلیسای حتی شد مبدل کاتولیک کلیسای از تر بد، "مذهبی" با و اند، بوده واحد نولوژیک اید نهاد یک در دولت و کلیسا تبلور احزاب این دادند شکل شمالی کره و کوبا، ویتنام، سابق، چین، شرقی و اروپای شوروی چین فرهنگی انقلاب تا استالین های تسویه از میشد، رفتار وسطی قرون ساحران و جادوگران از تر بد مرتدین،

با پاپر، کارل تحلیل و است ذکر شایان مارکسیسم اصلی جریانات عنوان با کولاکوسکی کتاب مارکسیسم، تاریخ مختلف جریانات تحلیل ارزنده کارهای از است زمینه این در مطالعه برای ارزندهای کتابی کماکان، آن از بعد شده منتشر و دوم جهانی جنگ زمان در شده نوشته، دشمنانش و باز جامعه عنوان

های نقد با 1930 سالهای در فرانکفورت مکتب و 1920 سالهای در لوکاش جرج نقدهای. است بوده ارتدوکس مارکسیسم اپوزیسیونهای آخرین از نو چپ کردند سعی آلتوسر نظیر برخی. است یافته ادامه یکم و بیست و بیستم قرن در دیگران و هابرماس، بنلهایم، سونیزی، کولتی، Korsch کورش آلتوسر، که استر اکتورالیستی، مارکسیسم Levi-Straus اشتراوس لوای از الهام با خود دورانهای از یکی در آلتوسر. بیاورند مارکسیسم به را پلورالیستی گرایش اصول بایستی که کرد اذعان بالاخره انقلابی-فرا جوامع کتاب در آمریکائی مارکسیست برجسته اقتصاددان سوئیزی، پل. دهد شکل را داشت پلورالیستی گرایش بگیرند قرار مجدد ارزیابی مورد هایش ایده‌ها با آن تصابق عدم بخاطر مارکسیم اساسی

مارکسیستی جدید های فرقه به و شکست به محکوم درون از مارکسیسم نقد من بنظر. داد نخواهند ای نتیجه اما صادقانه، هرچند بالا، های کوشش همه من نظر به ندارد نو اندیشه ارائه برای توانی مارکسیسم محدوده در نو چپ. انجامد می

سام قنډچي، ناشر و سر دبير  
اير انسكوپ

<http://www.iranscope.com>

12 آذر 1382

Dec 3. 2003

متن رساله بزبان انگليسي

<http://www.ghandchi.com/299-MarxismEng.htm>

مقالات ديگر مربوط به موضوع:

<http://www.ghandchi.com/301-Pluralism-plus.htm>

<http://www.ghandchi.com/index-Page6.html>

-----  
مقالات تئوريک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست همه مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>